

نقد و بررسی نظریه بسط متن در تحلیل انسجام متنی سوره‌های قرآن بر اساس دیدگاه حسین عبدالرئوف

دکتر محمد خامه‌گر^۱

چکیده

یکی از مباحث ارزشمند در تفسیر قرآن، بررسی کیفیت تناسب و ارتباط آیات یک سوره قرآن با یکدیگر است که در علم متن‌شناسی از آن با اصطلاح انسجام متنی سوره‌های قرآن یاد می‌شود. تاکنون حدود ۱۵ نظریه مختلف برای تبیین کیفیت انسجام متنی سوره‌های قرآن ارائه شده است. یکی از نظریات جدید که برای ترسیم کیفیت انسجام یاد شده مطرح گردیده، نظریه «بسط متن» است. این نظریه از سوی حسین عبدالرئوف استاد مطالعات قرآنی دانشگاه لیدز در سال (۲۰۰۵ م) در پاسخ به ادعاهای ریچارد بل درباره گسسته بودن ارتباط آیات درون سوره‌ها مطرح شده است. در این نظریه انسجام متنی یک سوره با بسط مفاهیمی مانند مسئله معاد یا فرمانروایی خدا بر جهان در بخش‌های مختلف سوره تحلیل می‌شود.

برای آشنایی کامل با ابعاد نظریه بسط متنی و تحلیل جنبه‌های مثبت و منفی آن در این نوشتار مباحثی مانند مفهوم بسط متن، عوامل انسجام متنی در نظریه بسط متن، تحلیل انسجام متنی آیات نخست سوره اسراء با نظریه بسط متن و نقد و بررسی نظریه بسط متنی تحلیل می‌شود.

گرچه این اندیشمند با طرح نظریه بسط متن برای دفاع از انسجام متنی سوره‌های قرآن تلاشی ارزشمند را ساماندهی کرده ولی دیدگاه او برای ترسیم انسجام متنی قرآن دقیق نیست و چند اشکال مهم بر آن وارد است که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار هستند: روشمند نبودن تشخیص مفاهیم قابل بسط، غیر علمی بودن معیار بسط متن، عدم توجه به شواهد لفظی در انسجام متنی.

واژگان کلیدی: انسجام متنی، قرآن، بسط متن، حسین عبدالرئوف، سوره اسراء.

۱- استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده اسلام تمدنی مشهد khamegar@gmail.com

مقدمه

بررسی کیفیت تناسب و همبستگی آیات سوره‌های قرآن در نحوه نگرش به محتوای قرآن و چگونگی برداشت از محتوای آن تأثیری به سزا دارد. آشکار شدن کیفیت ارتباط آیات هر سوره به درکی بهتر و دقیق‌تر از قرآن منجر می‌شود؛ زیرا برای درک صحیح معانی و فهم دقیق موضوعات قرآنی باید بتوان بین قسمت‌های مختلف آن ارتباط برقرار کرد و برای دفاع از حقانیت قرآن کریم بایست کیفیت انسجام متنی سوره‌های قرآن را ترسیم نمود؛ زیرا یکی از ویژگی‌های بارز اسلوب بیانی قرآن کریم این است که در هر سوره از موضوعاتی گوناگون سخن به میان آمده و این موضوعات در نگاه نخست آن‌چنان متفاوت و پراکنده است که برخی از دشمنان اسلام این اسلوب اعجاز آمیز را بهانه ای برای تضعیف قرآن قرار داده اند. برای نمونه برخی از خاورشناسان مانند ایگناس گلدزیهر (۱۹۲۱م) با تأکید بر پراکندگی آیات سوره‌های قرآن، آن را یکی از معایب آن بر شمرده است و به این ترتیب نه تنها و حیانی بودن قرآن را زیر سؤال برده، بلکه آن را از حدّ یک کتاب معمولی بشری نیز پایین‌تر آورده است. (گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۳۰)

در پاسخ به این شبهه گروهی از دانشمندان مسلمان و برخی از مستشرقان ۱۵ نظریه در خصوص کیفیت ارتباط آیات درون سوره‌ها مطرح کرده اند که بعضی از آن‌ها تا حدّی به اثبات انسجام متنی سوره‌ها کمک می‌کند، اما بسیاری از آن‌ها اگرچه بخشی از ارتباط متنی سوره‌ها را نشان می‌دهند، ولی از اثبات نظم دقیق و انسجام جامع سوره‌های قرآن عاجز هستند و دستاویزی برای تأکید مخالفان قرآن بر بی‌نظمی حاکم بر سوره‌ها شده است که مشهورترین آن‌ها را این گونه می‌توان برشمرد:

۱- نظریهٔ انسجام خطّی: در این نظریه برای ترسیم انسجام سوره فقط به ارتباط لفظی و معنایی آیات همجوار توجه می‌گردد و از قرن چهارم هجری توسط شیخ ابوبکر نیشابوری مطرح شد. (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۸۷/۲)

۲- نظریهٔ انسجام مبتنی بر بافت زبانی: بر اساس این نظریه «انسجام» تنها در یک روند خطّی و مبتنی بر پاره ای عوامل زبانی شکل نخواهد گرفت؛ بلکه «پیوند» روندی شبکه‌ای و رفت و برگشتی دارد و علاوه بر عوامل زبانی، عوامل پراگماتیک یعنی بافت کلام نیز در آن دخیل هستند. این نظریه از سوی سلوی العوی، استاد مطالعات قرآنی گروه الهیات و مذاهب دانشگاه بیرمنگام انگلستان در

سال ۱۹۸۶ میلادی با انتشار کتاب «روابط متنی در قرآن، تناسب، انسجام و ساختار» ارایه شد. (ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۶۴)

۳- نظریه نظم متقارن سوره‌ها بر اساس تحلیل بلاغی سامی: در این نظریه انسجام متنی سوره‌ها بر اساس روابط موجود میان عناصر سازنده متن سوره، همراه با تعیین کیفیت تقارن میان این عناصر تشریح می‌شود. این نظریه توسط میشل کویپرس، پژوهشگر بلژیکی در سال ۱۹۹۴ میلادی ابداع شده است. (مکوند، ۱۳۹۴: ۹)

۴- نظریه ساختار متقارن: در این نظریه برای نشان دادن انسجام متنی سوره‌های قرآن به تکرار واژگان و عبارت‌های مشابه و رابطه متناظر بخش‌های مختلف سوره با یکدیگر توجه می‌شود. این نظریه توسط نیل رابینسون رییس بخش مطالعات اسلامی دانشگاه ولز انگلستان و فارغ‌التحصیل دانشگاه آکسفورد در سال ۱۹۹۶ میلادی با انتشار کتاب «کشف قرآن» ابداع شده است. (رابینسون، ۱۳۹۱: ۱۶-۴۶)

۵- نظریه انسجام متنی نقش گرا: بر اساس این نظریه به سه مؤلفه پیوستگی لغوی، دستوری و روابط منطقی می‌توان کیفیت انسجام متنی بین عنصری از یک جمله یا آیه را با عناصر جملات و آیات پیشین شناسایی نمود. این نظریه از سوی مایکل هالیدی و رقیه حسن، اساتید زبان شناسی دانشگاه سیدنی در سال ۱۹۷۶ میلادی مطرح گشت سپس توسط برخی از قرآن پژوهان ایرانی انسجام متنی سوره‌های قرآن با این رویکرد تحلیل شد. (ایشانی، ۱۳۹۲: ۷۵)

۶- نظریه انسجام تنشی سوره‌های قرآن: در این نظریه بر این نکته تأکید می‌شود که تعامل دو عامل شناختی و عاطفی در تعامل با یکدیگر سبب تولید معنا می‌شوند و با توجه به ضرب آهنگ معنایی این دو عامل در هر سوره می‌توان انسجام متنی آن را تبیین نمود. این نظریه از سوی حمیدرضا شعیری از زبان‌شناسان مشهور ایران در سال ۱۳۹۴ شمسی ارایه شده است. (شعیری، ۱۳۸۹: ۱۰)

۷- نظریه «بسط متن»: یکی از نظریات جدید می‌باشد که برای ترسیم کیفیت انسجام آیات در چارچوب سوره مطرح شده است. در این نظریه انسجام متنی یک سوره با بسط مفاهیمی مانند مسئله معاد یا فرمانروایی خدا بر جهان در بخش‌های مختلف سوره تحلیل می‌شود. نظریه یاد شده از سوی

حسین عبدالرئوف استاد مطالعات قرآنی دانشگاه لیدز در سال ۲۰۰۵ میلادی در پاسخ به ادعاهای ریچارد بل درباره گسسته بودن ارتباط آیات درون سوره‌ها مطرح گشته است.

برای آن که بتوان هم از حقانیت قرآن در محافل علمی دفاع کرد و هم چگونگی انسجام متنی قرآن را به روش علمی و جامع مشخص نمود لازم است نظریات ارایه شده درباره کیفیت انسجام متنی سوره‌ها به دقت بررسی و نقد شود و نظریه‌ای جامع و کامل در این رابطه ارایه گردد. در این مقاله نظریه انسجام متنی سوره براساس بسط متن نقد و بررسی می‌گردد.

ریچارد بل در کتاب «مقدمه‌ای بر قرآن» بر این باور می‌باشد که متن قرآن منقطع و گسسته است دلیل او بر این ادعا آن است که مسلمانان صدر اسلام آیات قرآن را روی تکه‌های کاغذ نگاشته و به مرور زمان، آیت‌های دیگر را به آن‌ها الصاق کرده‌اند و زمانی که تصمیم گرفتند قرآن را به صورت کتابی منسجم و یکپارچه درآورند، تکه‌های کاغذ را بدون وقفه برخوانده و آن‌گاه نسخه‌برداری نموده و بدون هیچ نظمی آن‌ها را در کنار یکدیگر قرار داده‌اند، از این رو هیچ ترتیب منطقی میان آیات یک سوره وجود ندارد. «ریچارد بل» قافیه و طول آیات را به عنوان تنها معیار شناسایی تناسب آیات معرفی می‌کند. وی به تکه‌تکه بودن قرآن اشاره کرده، برخی آیات آن را از نظر دستور زبان به چالش کشانده و عدم ارتباط دستوری میان برخی آیات را نمایان کرده است. (بل، ۱۳۸۲: ۳۴) حسین عبدالرئوف برای آن که نشان دهد بر خلاف ادعای این اندیشمند آیات قرآن با یکدیگر ارتباط معنایی و دستوری دارند و با توجه به این نکته که در کنار هم چیده شده‌اند، می‌گوید: «گفتمان قرآنی براساس شبکه زبانی بسط متن تنظیم شده است و ربطی به معیارهای طول آیه، محلّ وحی، قافیه و نیز تکرار آیات ندارد.» (عبدالرئوف، ۱۳۹۰: ۸۷) گرچه حسین عبدالرئوف نظریه بسط متن را برای اثبات انسجام متنی قرآن و پاسخگویی به شبهه ریچارد بل مطرح کرده است ولی دیدگاه او برای ترسیم انسجام متنی قرآن دقیق نیست و چهار اشکال مهم بر آن وارد است. برای آشنایی کامل با ابعاد نظریه بسط متنی و تحلیل جنبه‌های مثبت و منفی آن در این نوشتار پنج مبحث مهم مطرح می‌شود. در بازگردان آیات قرآن به زبان فارسی از ترجمه حسین انصاریان استفاده شده است.

۱- ادبیات نظری پژوهش

۱-۱: ضرورت و هدف پژوهش

ضرورت و هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی این شبهه است که قرآن متنی بی‌نظم و از هم گسسته و پراکنده و بی هیچ ترتیب منطقی و شبکه زبانی متن نیست؛ بلکه با پیروی از اصول انسجام متن می‌توان بر یکپارچگی و به هم پیوستگی آیات سوره‌های آن استدلال نمود و از میزان توانمندی نظریه بسط متن در اثبات این انسجام آگاهی یافت.

۲-۱: پرسش‌های پژوهش

- ۱- از نظریه بسط متن تا چه حد می‌توان در ترسیم انسجام متنی سوره‌های قرآن بهره برد؟
- ۲- راهکارهای اثبات این که آیات قرآن با برخورداری از ارتباط معنایی و دستوری بر اساس شبکه زبانی بسط متن قرار گرفته، چیست؟
- ۳- چالش‌ها و آسیب‌های پیش روی این نظریه و پاسخ‌های آن کدام است؟

۳-۱: فرضیه پژوهش

برای اثبات نظریه بسط متن و برطرف ساختن اشکالات وارد بر آن و ترسیم انسجام حاکم بر متن قرآن کریم باید دو لایه سطحی و عمقی متن تحلیل و بررسی گردد و به انسجام لفظی و معنایی آیات مجاور و غیر مجاور نیز توجه شود. در مقدمه با ارایه دیدگاه‌های گوناگون و مخالف و موافق به پیشینه این بحث پرداخته شده است.

۲- مفهوم بسط متن

بسط متن از جمله ویژگی‌های متنی در سطح کلان است، هرچند در سطح خرد متنی نیز حاصل می‌آید.

بر اساس نظریه بسط متن، متنی از نظر معنایی دارای انسجام است که بتواند به لحاظ مضمونی بسط پیدا کند، به این منظور گاه یک مفهوم کلی مانند فرمانروایی خدا بر جهان به اجمال در آیات نخست سوره مطرح می‌شود سپس به روش‌های مختلف در سایر آیات تفصیل و بسط پیدا می‌کند و به این ترتیب تکرار این مفهوم کلی یا بیان مصادیق آن در سرتاسر سوره با ارجاع بینامتنی به آن،

سوره را به صورت متنی کاملاً منسجم ارائه می‌دهد. در نتیجه گفتمان قرآنی از طریق چینش واژگانی معنا محور در سوره شکل می‌گیرد آن‌گاه بر محور این واژگان، سایر مفاهیم شکل گرفته و در لابلای آیات سوره بسط می‌یابد.

۳- عوامل انسجام متنی در نظریه بسط متن

حسین عبدالرئوف درباره کیفیت بسط متن در گفتمان قرآنی می‌گوید: «در زبان‌شناسی متن، توالی مفهومی مهم‌ترین مؤلفه متنی یک متن منسجم و یکپارچه محسوب می‌شود در گفتمان قرآنی از روش‌های زبانی جذابی برای بسط متن و ارتباط دادن مفهومی آیات بهره گرفته شده است که از جمله می‌توان به استفاده از سازوکارهای دستوری و بهره‌مندی از واژه‌هایی که ویژگی معنایی آن‌ها ارتباط مفهومی میان آیات متوالی را به وجود می‌آورد نام برد. (عبدالرئوف، همان: ۸۸) در گفتمان قرآنی، زنجیرمندی متنی از طریق معیارهای متنی که ارتباط مفهومی و متنی بین آیات را برقرار می‌کند شکل می‌گیرد.

۳-۱: مهم‌ترین معیارهای متنی

۳-۱-۱: ارتباط معنایی میان بن‌مایه‌ها

هر متن شامل شبکه‌ای از روابط مفهومی است که مجموعه‌ای از بن‌مایه‌ها آن را ایجاد می‌کنند. این بن‌مایه‌ها مضمونی فراگیر را در کل متن می‌سازند. برخی از این روابط مضمونی با متون هم‌جوار مشترک هستند. به عبارت دیگر، متن مولد، برخی مضامین پیش‌تر به کار رفته را بازنگری می‌کند. هدف این سازوکار متنی یا تبیین مفهومی است که پیش‌تر مطرح شده، یا این که بافت برون زبانی موضوع تازه، آن را اقتضا می‌کند. برخی روابط بینا مضمونی از حیث بینامتنی به هم پیوند خورده‌اند، مثلاً در سوره اسراء بن‌مایه‌های اصلی در این زنجیره قرار می‌گیرند: پرستش و ستایش خداوند (آیات ۱، ۴۳، ۴۴، ۹۳، ۱۰۸)، راهبری و هدایت (آیات ۲، ۱۵، ۸۴، ۹۴، ۹۷)، انذار و تهدید کردن (آیات ۱۱-۹، ۱۷-۱۶، ۳۹-۲۳)، انذار از شیطان (آیات ۲۷، ۵۳، ۲۸، ۵۴، ۵۷، ۸۷، ۱۰۰). (همان، ۹۰)

۳-۱-۲: بسط کلان متنی

روابط مضمونی که روابط معنایی بنیادینی برای تحقق متنتیت و بسط متنی به حساب می‌آیند، مبین ارتباط بینامتنی و مفهومی است. به دیگر سخن، روابط مضمونی بینامتنی به خواننده کمک

می‌کند که متن را به سهولت پردازش کند. قصص قرآنی نمونه‌ای از بسط کلان متنی به شمار می‌آیند. قرآن در سوره اسراء، معراج شبانه پیامبر ﷺ را که آشکارا بیانگر قدرت مطلق الهی و نبوت پیامبر ﷺ است، معجزه ایشان معرفی می‌کند. از آن‌جا که این مسئله در ابتدای سوره به اجمال مطرح شده، نیاز است اندکی روشن‌تر برای خواننده تبیین شود. قرآن کریم این محور را از رهگذر بسط متنی و ارتباط مفهومی در این سوره گسترش می‌دهد و تا پایان سوره همه آیات حول محور معنایی قدرت مطلق الهی و نبوت شکل می‌گیرند. از این رو در سوره اسراء، واژه‌هایی به کار رفته است که به بن‌مایه یکسان پرستش و یکتاپرستی اشاره می‌کنند مانند عبارت «سبحان الله» که در آیات ۱ و ۹۳ و ۱۰۸ سوره تکرار شده است. (عبدالرئوف، ۱۳۹۰: ۹۲)

۳-۱-۳: شگردهای بیانی بسط متن در قرآن

یکی از روش‌های بسط متن در قرآن کریم به کارگیری شگردهای بیانی خاص است. یکی از این شگردها ارایه هم زمان دو بن‌مایه در یک آیه است، مثلاً در آیه ۱۱۰ سوره کهف مفهوم انذار در عبارت: «فلیعمل عملاً صالحاً» با اصل معاد در عبارت «فمن كان یرجو لقاء ربه» با هم آمده است.

دومین شگرد بیانی قرآن، تلفیق مضمون‌ها با یکدیگر است. حسین عبدالرئوف با بررسی چند سوره قرآن نشان می‌دهد که چگونه مضامین مختلف در این سوره‌ها با هم تلفیق شده و در کنار هم زوج معنایی جدیدی را ایجاد کرده‌اند، از جمله در سوره‌های اسراء و کهف، اخلاق و سجایای اخلاقی در بطن بن‌مایه یکتاپرستی، قرار گرفته است. هم‌چنین توحید و یکتاپرستی (اسراء/۲۲ و ۳۹، کهف/۳۸ و ۴۲) همواره در کنار انذار (اسراء/۲۳ و ۳۸، کهف/۳۹-۴۲) ذکر می‌شود.

ترکیب گزاره با آنتی گزاره سومین شگرد بیانی بسط متن در قرآن است که به طور مکرر در گفتمان قرآنی به کار رفته است. این شگرد، در گفتمان برهانی- استدلالی رخ می‌دهد. به این ترتیب که ابتدا گزاره‌ای خاص مطرح می‌شود (تز) سپس یک آنتی گزاره (آنتی‌تز) در انکار گزاره ارایه می‌شود. برای نمونه، در آیه ۹۸ سوره اسراء گزاره «ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا»، «این کیفر آن‌هاست، به خاطر این که نسبت به آیات ما کافر شدند و گفتند: «آیا هنگامی که ما استخوان‌های پوسیده و خاک‌های پراکنده‌ای شدیم، بار دیگر آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟!» که درباره نفی قدرت خدا در برپایی معاد است، مطرح

می‌شود و در آیه ۹۹ «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُّوا» «آیا نمی‌دانند خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، قادر است مثل آنان را بیافریند (و به زندگی جدید بازشان گرداند)؟! و برای آنان سرآمدی قطعی - که شکی در آن نیست - قرار داده؛ اما ظالمان، جز کفر و انکار را پذیرا نیستند!» که در پی آن است آنتی گزاره می‌آید که مبین قدرت خداوند در آفرینش زمین و آسمان و آفرینش دوباره انسان‌ها است.

چهارمین شگرد بیانی گفتمان قرآنی، بیان جزئیاتی خاص پس از گزاره‌هایی کلی است. هدف این شگرد دستیابی به کارکردی ارتباطی است تا نگاه خواننده را به مفهوم ویژه مورد نظر معطوف کند مثلاً در آیه ۸۹ سوره اسراء به بی‌ایمانی به نبوت اشاره‌ای کوتاه می‌شود، اما آیات ۹۰ تا ۹۵ با ذکر نمونه‌هایی بیش‌تر، این مسأله را شاخ و برگ می‌دهند. به همین ترتیب در آیه ۳ سوره مریم به اجمال به دعای زکریا اشاره می‌شود، اما در آیات ۴ تا ۶، دعای زکریا مبسوط‌تر بیان می‌شود. (عبدالرئوف، همان: ۹۵)

۴- تحلیل انسجام متنی آیات نخست سوره اسراء با نظریه بسط متن

حسین عبد الروؤف پس از تبیین سه معیار متنی به همه اشکالاتی که ریچارد بل به عدم انسجام متنی قرآن در سوره‌های اسراء، کهف، مریم، و طه گرفته است پاسخ می‌دهد، از جمله ریچارد بل در کتاب «مقدمه ای بر قرآن» با توجه به آیات ۲-۸ اسراء، ادعا می‌کند این آیات ربطی به آیه اول ندارند و اصلاً جایشان این‌جا نیست و این آیات را باید جایگزین آیات ۱۰۰ تا ۱۰۴ سوره اسراء کرد. (بل، ۱۳۸۲: ۵۲)

حسین عبد الروؤف برای نشان دادن انسجام متنی و مفهومی آیات ۱-۸ سوره اسراء، به چند نوع از ارتباطات متنی میان آیات ۲-۸ با آیه اول اشاره کرده است.

۴-۱: ارتباط معنایی آیات ۱ و ۲ سوره اسراء

حسین عبدالرئوف ابتدا به سه ارتباط معنایی میان آیه اول «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»، «پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش

را پربرکت ساخته‌ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بینا است.» و آیه دوم «وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا»، «ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم؛ (و گفتیم): غیر ما را تکیه گاه خود قرار ندهید!» سوره اسراء اشاره می کند.

نخستین ارتباط از قسمت آخر آیه اول (السمیع البصیر) آغاز می کند و می گوید: «صفت «سمیع» اشاره به این مسأله دارد که خداوند تمام آنچه را که مردم درباره معراج شبانه به محمد ﷺ می گویند، می داند و صفت «بصیر» ناظر است به این که خداوند آنچه را در شرف وقوع است و کارهایی که کافران در خصوص معراج شبانه انجام می دهند، می بیند.

دومین ارتباط معنایی این دو آیه، آن است که چون معراج شبانه پیامبر ﷺ که در آیه اول ذکر شده، نشانه «اکرام حضرت محمد ﷺ» است و در صدد ترفیع جایگاه ایشان است، از حیث مفهومی با آیه دوم سوره در ارتباط است؛ زیرا در این آیه به اکرام حضرت موسی ﷺ اشاره دارد که همان اعطای کتاب عهد عتیق است. به این ترتیب معمای عدم ارتباط معنایی این دو آیه حل می شود چون در این دو آیه هم حضرت محمد ﷺ و هم موسی ﷺ هر دو تکریم شده اند. حضرت محمد ﷺ به واسطه معراج شبانه و حضرت موسی ﷺ به واسطه دریافت عهد عتیق، هدیه ای از جانب خداوند دریافت کرده اند.

سومین ارتباط معنایی دو آیه نخست سوره اسراء با وجود واژه «سبحان» که در ابتدای آیه اول و واژه «وَکَيْلًا» که در پایان آیه دوم قرار دارند برقرار می شود؛ زیرا هر دو واژه به توحید و شریک نداشتن خدا اشاره می کنند. واژه «سبحان» به تنزیه خدا و پیراسته بودن او هر عیب و شریکی دلالت دارد و واژه «وَکَيْلًا» در عبارت «أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا»، «غیر ما را تکیه گاه خود قرار ندهید!» نیز بر توکل نکردن به غیر خدا دلالت دارد و یکی از ابعاد توحید و یکتاپرستی را تبیین می کند و از خواننده می خواهد که برای خداوند شریکی در نظر نگیرد.

۴-۲: بسط متنی بن مایه ها در آیات نخست سوره اسراء

حسین عبدالرئوف برای نشان دادن انسجام متنی آیات ۱ تا ۸ سوره اسراء علاوه بر ذکر سه ارتباط معنایی میان آیات ۱ و ۲ به بسط متنی چهار بن مایه یا مفهوم کلی بین آیات ۱ تا ۸ هم اشاره می کند.

الف- نخستین مورد بسط متنی بن مایه لطف و کرم خدا به پیامبران الهی است که در آیه ۱ به لطف خدا به پیامبر اسلام ﷺ با رفتن او به معراج اشاره شد و در آیه ۲ به لطف خدا به حضرت موسی ﷺ با نزول کتاب تورات اشاره گشت و در ادامه در آیه ۳ «ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا»، «ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بنده شکرگزاری بود. (شما هم مانند او باشید، تا نجات یابید!)» به لطف و اکرام خداوند به حضرت نوح اشاره می شود که وی را از غرق شدن رهایی بخشید، بنابراین آیات ۱ و ۲ و ۳ از حیث مفهومی با هم مرتبط بوده، به لطف خداوند در حق پیامبر اسلام ﷺ و موسی ﷺ و نوح ﷺ اشاره می کند.

ب- دومین بن مایه ای که در آیات ۱ تا ۸ سوره اسراء بسط متنی یافته است، بن مایه «قدرت خداوند» به شمار می آید که در معجزات پیامبران الهی تجلی یافته است. در آیه اول بیان می کند خداوند قادر به انجام کارهایی مانند معجزه به معراج بردن پیامبر ﷺ است که برای انسان ناممکن به نظر می آید. این معجزه از حیث مفهومی با دو چیز ارتباط پیدا می کند ۱- معجزه موسی ﷺ در گذر از دریای احمر، ۲- معجزه نوح ﷺ در ساخت کشتی و نجات از غرق شدن و نیز سفر موسی ﷺ به ارض موعود که با اشاره به داستان موسی ﷺ در آیه ۲ و داستان نوح ﷺ در آیه ۳ این دو معجزه هم یادآوری می شوند.

ج- داستان های موسی و نوح ﷺ به واسطه مفهوم مستتر آب و نجات از غرق شدن، از حیث مفهومی نیز به هم ارتباط می یابند. بسط متنی به واسطه معجزات و نیز صبر و تحمل سه پیامبر حاصل می آید.

د- هم چنین آیه اول اسراء از حیث مفهومی با آیات دوم و سوم از این نظر ارتباط پیدا می کند که حضرت محمد ﷺ نیز فرمان می یابد که از پیشینیان خود مانند نوح و موسی ﷺ پند گیرد، پیامبرانی که به رغم مشقت ها و دردها، در نهایت پیروز می شوند.

به این ترتیب سه آیه آغازین سوره اسراء به بسط متنی و مفهومی نایل می آید. در نهایت بسط متنی در آیات ۱ تا ۸ سوره اسراء آشکار می شود، چرا که این آیات به فرزندان بنی اسرائیل و دارالسلام اشاره دارد، بنابراین آیات مذکور از حیث مفهومی با آیات ۱ تا ۲ سوره اسراء مرتبط می گردند. (عبدالرئوف، همان: ۹۷)

۵- گسترش نظریه بسط متنی در ترسیم انسجام سوره‌های متوالی

عبدالرئوف معتقد است که بسط متنی بن مایه‌ها نه تنها توانایی آن را دارد که انسجام متنی یک سوره را ترسیم کند؛ بلکه با استفاده از این روش می‌توان ارتباط معنایی سوره‌های متوالی را هم شناسایی کرد. وی معتقد است که هر متن شامل شبکه‌ای از روابط مفهومی است که مجموعه‌ای از بن مایه‌ها آن را ایجاد می‌کنند. این بن مایه‌ها مضمونی فراگیر را در کل متن می‌سازند. برخی از این روابط مضمونی با متون هم‌جوار مشترک هستند. به عبارت دیگر، متن مولد، برخی مضامین پیش‌تر به کار رفته را بازنگری می‌کند. هدف این تکرار، یا تبیین مفهومی است که پیش‌تر مطرح شده، یا این که بافت برون زبانی موضوع تازه، آن را اقتضا می‌کند. برای نمونه اگر به تکرار بن مایه‌های چهار سوره اسراء، کهف، مریم و طه توجه نماییم به ارتباط متنی آن‌ها نیز پی می‌بریم.

در سوره اسراء بن مایه‌های اصلی از این قرار می‌باشند: پرستش و ستایش خداوند (آیات ۱، ۴۳، ۴۴، ۹۳، ۱۰۸)، راهبری و هدایت (آیات ۲، ۱۵، ۸۴، ۹۴، ۹۷)، انذار و تهدید کردن (آیات ۱۱-۹، ۱۷-۱۶، ۳۹-۲۳)، انذار از شیطان (آیات ۲۷، ۵۳، ۲۸، ۵۴، ۵۷، ۸۷، ۱۰۰).

بن مایه‌های سوره کهف نیز به این ترتیب هستند: انذار (آیات ۱۲، ۳۰، ۴۶، ۸۸)، بخشندگی و بخشایندگی خداوند (آیات ۱۰، ۵۸، ۶۵، ۸۲، ۹۸)، انذار از شیطان (آیات ۵۰، ۶۳)، هدایت (آیات ۱۳، ۵۵، ۵۷)، صبر و بردباری (آیات ۲۸، ۷۵، ۷۸، ۸۲)، حقیقت (آیات ۳۱، ۲۱، ۲۹، ۴۴، ۵۶).

بن مایه‌های اصلی سوره مریم را نیز این گونه می‌توان برشمرد: پرستش خداوند (آیات ۱۱، ۵۳)، انذار (آیات ۲۰، ۲۷، ۲۸، ۷۶، ۹۶)، نماز (آیات ۳۱، ۵۵، ۵۹)، بخشندگی و بخشایندگی خداوند (آیات ۲، ۲۱، ۲۶، ۴۴، ۴۵، ۵۰، ۵۹، ۶۱، ۷۵، ۷۸، ۸۷، ۸۸، ۹۳-۹۱)، انذار از شیطان (آیات ۴۴، ۴۵، ۶۸، ۸۳).

بن مایه‌های اصلی سوره طه عبارت از: بخشندگی و بخشایندگی خداوند (آیات ۵، ۹۰، ۱۰۸، ۱۰۹)، هدایت (آیات ۴۷، ۵۰، ۸۲، ۱۲۲، ۱۳۵)، انذار (آیات ۲۴، ۴۳، ۴۵، ۶۴، ۷۵، ۸۲، ۱۱۲)، بردباری (آیات ۱۳۰، ۱۳۲)، انذار از شیطان (آیات ۱۱۶، ۱۲۰) است.

جدول زیر شبکه پیوسته روابط مفهومی بن مایه‌های هر یک از چهار سوره را نشان می‌دهد:

(عبدالرئوف، همان: ۹۱)

جدول شبکه پیوسته روابط مفهومی بن‌مایه‌های سوره‌های اسراء، کهف، مریم، طه

سوره طه	سوره مریم	سوره کهف	سوره اسراء	بن مایه
۱	۳	۰	۷	پرستش خدا
۵	۱	۳	۵	هدایت
۴	۲۰	۵	۷	بخشنده‌گی و بخشاینده‌گی
۴	۲	۴	۱	انذار
۲	۱	۴	۰	بردباری
۱	۳	۰	۱	نماز
۲	۱	۱	۲	نابودی
۲	۴	۲	۵	انذار از شیطان
۴	۱	۱	۲	صبر و بردباری
۱	۴	۵	۲	شرک

۶- نقد و بررسی نظریه بسط متنی

در نظریه بسط متنی تلاش می‌شود تا بنیانی برای وحدت مفهومی آیات یک سوره ارائه شود این بنیان بر تکرار یک مفهوم یا تکرار مفهومی متضاد آن یا تکرار مصادیق آن در آیات مختلف سوره به ویژه آیات همجوار استوار است و نشان می‌دهد که برخلاف ادعای مستشرقان به ویژه ریچارد بل آیات قرآن به طور تصادفی در یک سوره قرار نگرفته‌اند؛ بلکه نوعی انسجام مفهومی میان آیات یک سوره برقرار است، گرچه این نظریه تاحدی می‌تواند پندار عدم انسجام در سوره‌های قرآن را پاسخ دهد؛ اما به دلیل وجود نقدهای زیر در آن نمی‌تواند الگویی جامع و روشمند از کیفیت انسجام و پیوستگی آیات درون سوره‌های قرآن را به نمایش بگذارد.

۶-۱ روشمند نبودن تشخیص مفهوم قابل بسط

در این نظریه تنها بر بسط یک مفهوم از طریق توالی تکرار آن تأکید می‌شود، اما معیاری برای تشخیص مفهوم اصلی از میان مفاهیم مطرح شده در یک آیه ارائه نمی‌شود، از این رو هر کس

ممکن است مفهومی از یک آیه را برداشت نماید و آن را با مفهومی که از آیه دیگر برداشت می‌شود، ناهماهنگ ببیند و در نتیجه به عدم انسجام آیات گرایش یابد. برای نمونه در مثال‌هایی که در بالا به آن اشاره گشت حسین عبدالرئوف درباره مفاهیم بسط داده شده در آیه نخست سوره اسرا به مواردی مانند قدرت مطلق الهی، معجزه نبوت پیامبر و اکرام حضرت محمد ﷺ اشاره می‌کند. در حالی که همه این مفاهیم در یک درجه از اعتبار قرار ندارند و برخی مانند معجزه بودن معراج پیامبر ﷺ مفهوم مطابقی آیه و برخی دیگر مانند اکرام حضرت محمد ﷺ مفهوم تضمینی آیه است و قدرت مطلق الهی هم مفهوم التزامی این آیه می‌باشد. در چنین مواردی آن‌چه بیانگر ارتباط آیه با آیات همجوار است تکرار مفهوم مطابقی است نه مفاهیم التزامی و تضمینی.

در برخی موارد نیز بن مایه‌های گزینش شده حتی رابطه التزامی هم با متن ندارند؛ بلکه براساس روشی سلیقه‌ای و ذوقی انتخاب شده‌اند. برای نمونه یکی از بن مایه‌هایی که برای نشان دادن انسجام در آیات ۱ تا ۸ سوره اسراء انتخاب شده بن مایه «قدرت خداوند» می‌باشد که در معجزات پیامبران الهی تجلی یافته است. عبدالرئوف تکرار این بن مایه را در آیه اول سوره اسراء به دلیل ذکر جریان معراج پیامبر ﷺ بیان می‌کند که قابل قبول است؛ اما در آیه دوم که به داستان موسی ﷺ و قوم بنی اسرائیل اشاره می‌کند تکرار این بن مایه را به خاطر معجزه موسی ﷺ در گذر از دریای احمر بیان می‌کند که در این آیه هیچ اشاره‌ای به آن نشده است و تکرار این بن مایه در آیه سوم که در آن به این نکته اشاره شده که قوم بنی اسرائیل فرزندان همان کسانی هستند که آن‌ها را با نوح در کشتی سوار کردیم؛ هیچ ارتباطی با این بن مایه ندارد؛ زیرا این آیه برای منت گذاشتن بر قوم بنی اسرائیل است نه بیان قدرت خدا در نجات حضرت نوح ﷺ و پیروان او.

حسین عبدالرئوف داستان‌های موسی ﷺ و نوح ﷺ را نیز به واسطه مفهوم مستتر آب و نجات از غرق شدن، از حیث مفهومی نیز به هم مرتبط می‌داند، در حالی که اشتراک پدیده آب در این دو داستان به هیچ وجه ارزش تبدیل شدن به بن مایه‌ای برای پدید آوردن پیوند میان دو داستان را با هم ندارد.

۶-۲: غیر علمی بودن معیار بسط متن

یکی از ویژگی‌های نظریات علمی آن است که برای آن‌ها حالتی تصوّر شود که در آن حالت نظریه بطلان پذیر باشد مثلاً قانون انجماد آب خالص در صفر درجه یک نظریه علمی است؛ زیرا اگر در حالتی آب در بالای صفر درجه منجمد شود، می‌توان این نظریه را باطل اعلام نمود. نظریه بسط متنی که بر بسط بن مایه‌های کلی اعتقاد اسلامی در آیات مختلف یک سوره تأکید می‌کند، فاقد این ویژگی است به دلیل آن که اصول کلی اعتقادات اسلامی آن‌چنان کلی و گسترده هستند که هر آیه‌ای با هر مضمونی را می‌توانند در بر بگیرند و تقریباً هیچ آیه‌ای از قرآن را نمی‌توان یافت که به گونه‌ای با توحید، نبوت، معاد، هشدار به کافران و اموری از این قبیل مرتبط نباشد، از این رو معیار یاد شده نمی‌تواند معیار کارآمدی برای اثبات انسجام درونی یک سوره باشد؛ زیرا اگر به جای آیه دوم سوره اسراء آیه پنجم سوره ابراهیم «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»، «ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم:) قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «ایام الله» را به آنان یاد آور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار!» یا برخی آیات دیگر را هم قرار بدهیم می‌توان به یکی از روش‌های بسط متنی بین آن و آیه نخست سوره اسراء ارتباط برقرار نمود در نتیجه افرادی مانند ریچارد بل که قایل به پراکندگی آیات قرآن هستند، می‌توانند با استناد به این موارد استدلال‌های طرفداران نظریه بسط متنی را پاسخ دهند و بگویند این آیات به طور اتّفاقی در کنار هم قرار گرفته اند و ارتباط روشنی با هم ندارند.

۶-۳: عدم توجه به شواهد لفظی در انسجام متنی

نظریه بسط متن مانند نظریه های الگوی بازگشتی و ساختار متقارن به نحوی بر تکرار استوار است با این تفاوت که در آن نظریه ها اصرار بر تکرار الفاظ برای اثبات انسجام متنی استدلال می‌شد و در این نظریه بر تکرار مضامین تأکید می‌شود. از این حیث باید گفت در نظریه بسط متن، مشکل آن دو نظریه که کم توجهی به شاخص‌های محتوایی بود تا حدودی برطرف شده است، اما

در مقابل توجه به شواهد لفظی کاهش یافته است. در حالی که برای اثبات ارتباط میان آیات هم باید به ارتباط لفظی آن‌ها با یکدیگر توجه نمود و هم به ارتباط معنایی آن‌ها.

حسین عبدالرئوف در کتاب سبک شناسی قرآن کریم از ۳۵ ویژگی زبانی و ۱۹ خصوصیت متنی قرآن کریم که اسلوب بیانی قرآن را تشکیل می‌دهند، سخن گفته است. (عبدالرئوف، ۱۳۹۰: ۳۲-۱۰۴) از روی قاعده باید این تلاش ارزشمند در نظریه بسط متنی او نیز بازتاب می‌داشت. اگر نتایج به دست آمده در تحقیق مذکور در نظریه بسط متن مورد بهره برداری قرار می‌گرفت نقد سوم این نظریه مرتفع می‌شد. در واقع او گام‌های کافی برای ارایه یک نظریه جامع را برداشته است، هر چند به نظر می‌رسد از آن در مقام جمع‌بندی استفاده نکرده است و توازنی در عرضه الگو به گونه ای که ویژگی‌های لفظی و معنایی را به صورت متوازن ارایه کرده باشد، دیده نمی‌شود.

۶-۴: نقض نظریه بسط متن با توسعه آن به ارتباط مفهومی سوره‌های متوالی

با آن که مهم‌ترین مؤلفه متنی یک متن منسجم در نظریه بسط متن، توالی مفهومی است. اما حسین عبدالرئوف از این مؤلفه برای نشان دادن ارتباط مفهومی چند سوره متوالی نیز استفاده کرده است. (عبدالرئوف، ۱۳۹۰: ۸۸) در حالی که تلاش برای گسترش محدوده انسجام بر مبنای توالی مفهومی از درون یک سوره به محدوده چند سوره متوالی در عمل به معنای اثبات ناکارآمدی نظریه بسط متن برای ترسیم انسجام متنی یک سوره است؛ زیرا معیارهای انسجام متن تنها در صورتی از اعتبار و ارزش لازم در ایجاد انسجام متنی برخوردار است که بتواند انسجام را در چارچوب یک متن واحد اثبات کند و نشان دهد که اجزای این متن به خاطر دارا بودن این ویژگی با هم مرتبط بوده، یک متن منسجم را تشکیل می‌دهند. اما اگر قرار باشد با کمک این معیار چند متن متفرق نیز به هم متصل گردند و از انسجام لازم برخوردار شوند پس باید نتیجه گرفت که این معیار قدرت ایجاد انسجام میان اجزای یک متن واحد را ندارد. این کار وی به جهت آن نیست که در این سوره‌ها میان آیات هر کدام انسجام نیست و به کمک دیگر سوره‌ها باید انسجام برقرار کرد؛ بلکه این طرح را در روابط بین سوره‌ها هم به کار برده است.

برای نمونه حسین عبدالرئوف اعلام می کند که در سوره‌های اسراء، كهف، مریم و طه از رهگذر بسط کلان متنی، چندین داستان ارایه می‌شود که جملگی قدرت مطلق الهی را تصویر می‌کنند و بسیاری از آنها، یک معجزه خاص را بیان یا به آن اشاره می‌کنند، مثلاً در سوره اسراء به شکافته شدن دریای سرخ برای موسی عَلَيْهِ السَّلَام و عبور وی از دریا اشاره شده (آیات ۱۰۱-۱۰۴) و در سوره كهف به معجزه یاران غار (آیات ۹-۲۶) و نابودی ناگهانی یک گروه در داستان دو مرد صاحب تاكستان (آیات ۳۲-۴۴) اشاره گشته و در سوره مریم نیز به هفت داستان از پیامبران مانند داستان تولد یحیی عَلَيْهِ السَّلَام (آیات ۲-۱۵)، تولد عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در داستان مریم عَلَيْهَا السَّلَام و عیسی عَلَيْهِ السَّلَام (آیات ۱۶-۳۴) بیان شده است. از حیث زبانشناسی، اشاره به این داستان‌های گوناگون که به لحاظ مفهومی با هم مرتبط هستند، این چهار سوره را از حیث متنی به هم پیوند داده است و آنها را به لحاظ مضمونی منسجم می‌کند. (عبدالرئوف، همان: ۹۳) در حالی که اگر توالی مفهومی بتواند چند متن متفاوت را به هم منسجم کند دیگر نمی‌توان از آن به عنوان عامل ایجاد انسجام میان اجزای یک متن یاد کرد.

نتیجه‌گیری

حسین عبدالرئوف با طرح نظریه بسط متن برای دفاع از انسجام متنی سوره‌های قرآن تلاشی ارزشمند را ساماندهی کرده است، ولی دیدگاه او برای ترسیم انسجام متنی قرآن دقیق نیست و چند اشکال مهم بر آن وارد است که مهم‌ترین آن‌ها را این گونه می‌توان برشمرد: روشمند نبودن تشخیص مفاهیم قابل بسط، غیر علمی بودن معیار بسط متن، عدم توجه به شواهد لفظی در انسجام متنی. با توجه به ویژگی‌های نظریه بسط متن و نقدهایی که بر آن وارد شده، نتیجه گرفته می‌شود که گرچه نظریه بسط متن توانسته است معیاری جدید را برای انسجام معنایی یک متن معرفی کند، اما این نظریه از حیث مبنا و روش دچار مشکلاتی است که به خاطر آن‌ها نمی‌تواند الگوی جامع و روشمندی از کیفیت انسجام و پیوستگی آیات یک سوره قرآن را ارایه نماید. در نتیجه برای علمی شدن این نظریه باید معیارهای انسجام متنی افزایش یابد و علاوه بر بررسی مفاهیم بنیادی تکرار شده در سوره به انسجام لفظی و معنایی آیات مجاور و غیر مجاور نیز توجه شود؛ زیرا زبان‌شناسان می‌گویند: انسجام متنی به مجموعه‌ای از مناسبات لفظی و معنایی اشاره دارد که به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را به مثابه یک متن، از مجموعه‌ای از جملات جداگانه و نامربوط متمایز می‌سازد، از این رو برای ترسیم انسجام حاکم بر یک متن باید دو لایه سطحی و عمقی متن تحلیل گردد. لایه سطحی صورت‌زبانی و ظاهر متن است. در بررسی این لایه، ساختار جملات و ارتباط مابین بخش‌های مختلف جملات همجوار که از طریق حروف ربط برقرار می‌شوند بررسی می‌شوند. مراد از لایه عمقی معنای کلان متن، یعنی معنایی که مؤلف سعی در مطرح کردن آن را داشته است، می‌باشد. در بررسی این لایه، موضوعات و مطالب مطرح شده در متن بررسی می‌شود و رابطه بین مطالب تحلیل می‌گردند.

منابع و مأخذ

- ۱- انصاریان، حسین (۱۳۸۳)، *ترجمه قرآن کریم*، چاپ اول، قم: انتشارات اسوه.
- ۲- ایشانی، طاهره (۱۳۹۲)، «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با نظریه زبان شناسی نقش گرا»، *مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۲۷، تابستان، صص ۶۵-۹۵.
- ۳- بل، ریچارد (۱۳۸۲)، *درآمدی بر تاریخ قرآن*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ اول، قم: مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی.
- ۴- ذوقی، امیر (۱۳۹۲)، «نگره ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۱۲، بهار و تابستان، صص ۱۵۱-۱۷۵.
- ۵- رابینسون، نیل (۱۳۹۰)، «ساختار و تفسیر سوره مؤمنون»، مترجم ابوالفضل حری، *فصلنامه تخصصی حسنا*، شماره ۸، بهار، صص ۱۶-۴۶.
- ۶- رابینسون، نیل (۱۳۹۱)، «دستان باز قرائتی دوباره از سوره مائده»، *پژوهشهای قرآنی*، شماره ۶۹، بهار، صص ۱۵۶-۱۹۰.
- ۷- شعیری، حمید رضا (۱۳۸۹)، *تجزیه و تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان*، چاپ اول، تهران: نشر سمت.
- ۸- عبدالرئوف، حسین (۱۳۹۰)، «بسط متن و روش‌های ارایه مطلب در گفتمان قرآنی»، مترجم ابوالفضل حُرّی، *پژوهشهای قرآنی*، شماره ۶۸، زمستان، صص ۸۶-۱۱۳.
- ۹- _____، (۱۳۹۰)، *سیک شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی)*، ترجمه پرویز آزادی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ۱۰- گلدزیهر، ایگناس (۱۳۸۳) *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*، ترجمه ناصر طباطبایی، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۱- مکنون، محمود (۱۳۹۴)، «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن»، *پژوهشهای قرآنی*، شماره ۷۶، پاییز، صص ۴-۳۳.
- ۱۲- نیشابوری، حسن بن محمد (۱۴۱۶)، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، چاپ اول، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.